

شباهت‌های زلنسکی و نتانیاہو

بله، واقعیت این است که آمریکا در هر دوی این جبهه‌های جنگ حاضر است آن هم مستقیماً و تا آنجا که توانسته از جبهه طرف خود حمایت‌های تسلیحاتی، مالی، سیاسی، اطلاعاتی و مستشاری کرده است از آن سو به شرکت‌های تسلیحاتی‌اش هم رونقی داده است! گزارش‌های متعددی از حضور مستشاران آمریکایی و اروپایی در اوکراین و «اسرائیل» منتشر شده است که همگی نشان می‌دهند، کنترل امور در این دو، نه در دستان نتانیاہو یا زلنسکی که در دستان آمریکایی‌هاست.

به گزارش سایت خبری پرسون، جعفر بلوری در یادداشتی نوشت: آمریکا مدتی است در دو جبهه، درگیر جنگ سخت است. یکی جبهه «اوکراین» و دیگری جبهه «اسرائیل». در جبهه «اوکراین» آمریکا به کمک ناتو نزدیک به ۲ سال است که تمام توان خود را به شکلی «کنترل شده» به میدان آورده تا روسیه، رقیب سنتی و قدرتمند خود را تضعیف کرده و به نوعی، افسار چین را هم بکشد. برخی معتقدند، چین نیز مثل روسیه که مترصد فرصتی بود تا به اوکراین حمله کند، مترصد فرصتی است که به تایوان حمله کند منتظر نتیجه جنگ اوکراین است! این عده معتقدند اگر چین به این نتیجه قطعی برسد که ناتو -بخوانید آمریکا- از روسیه شکست خورده، لحظه‌ای در حمله به تایوان تعلل نخواهد کرد. در همین رابطه اشاره می‌کنند به رزمایش‌های پی‌درپی چین در نزدیکی تایوان. به قول ستون‌نویس «یورو نیوز»، «تقریباً روزی نیست که کشتی‌های جنگی چینی در آب‌های اطراف تایوان پرسه زنند و هواپیماهای جنگی نیز به سمت این جزیره در مسیر رفت و برگشت پرواز نداشته باشند. اگر این کشتی‌ها و جنگنده‌ها ناگهان به تایوان و مواضع آمریکا در منطقه حمله کردند چه؟»

جنگ در جبهه اوکراین در آستانه دو سالگی است و خبرهایی که نشان دهند، اوکراین قافیه را باخته و شکست آن قطعی است کم نیستند! اما جنگ در جبهه «اسرائیل» به تازگی چهار ماهه شده است. اگر ۷۱۲ روز طول کشید تا برنده و بازنده تقریباً قطعی جنگ اوکراین مشخص شود، برنده و بازنده قطعی جنگ غزه همان روز نخست یعنی پس از عملیات ۷ اکتبر خود را نشان دادند! اما آنچه در این یادداشت به دنبال تبیین آنیم، لزوماً مشخص کردن برنده و بازنده این دو جنگ نیست. تمرکز این یادداشت بیشتر روی «آمریکا»ست. کشوری که در هر دو جبهه جنگ، تمام قد ورود کرده و میلیاردها دلار نیز از جیب مالیات دهندگانش به یکی از طرف‌های جنگ کمک کرده و در جاهایی حتی خود مستقیماً وارد جنگ شده است. بخشی از این هزینه‌های سنگین را هم بین متحدان «بله‌قربان» گویش سرشکن کرده و از قضا، در هر دو جنگ نیز در حال شکست است! هم خود هم متحدانش را وارد باتلاق‌هایی کرده که، فقط خدا می‌داند کی بتوانند از آن خارج شوند. روی صحبت این یادداشت این است که، هرکس روی دیوار آمریکایی‌ها یادگاری نوشت، به چه سرنوشتی دچار شد...

بله، واقعیت این است که آمریکا در هر دوی این جبهه‌های جنگ حاضر است آن هم مستقیماً و تا آنجا که توانسته از جبهه طرف خود حمایت‌های تسلیحاتی، مالی، سیاسی، اطلاعاتی و مستشاری کرده است از آن سو به شرکت‌های تسلیحاتی‌اش هم رونقی داده است! گزارش‌های متعددی از حضور مستشاران آمریکایی و اروپایی در اوکراین و «اسرائیل» منتشر شده است که همگی نشان می‌دهند، کنترل امور در این دو، نه در دستان نتانیاہو یا زلنسکی که در دستان آمریکایی‌هاست. ۲۰۰ میلیارد دلار، رقمی است که رسمی‌ها، درباره کمک‌های فقط مالی آمریکا به زلنسکی به زبان رانده‌اند. آخرین بسته کمکی اروپا به اوکراین نیز ۵۰ میلیارد دلار بوده که کمتر از دو هفته پیش تصویب شد. اکنون نیز در کنگره آمریکا طرح تصویب یک کمک ۱۱۸ میلیارد دلاری دیگر به اوکراین و رژیم صهیونیستی در حال بررسی است. اما نتیجه این همه حمایت و سرازیر کردن دلار و سلاح چه بوده است؟

نتیجه این شده است که، هم اوکراین و هم رژیم صهیونیستی می‌گویند، بدترین شرایط تاریخ خود را تجربه می‌کنند. هر دو در جبهه‌های جنگ، تلفات بسیار سنگین و بی‌سابقه‌ای داده‌اند و اختلافات داخلی‌شان نیز آن‌قدر زیاد است که به تنهایی می‌تواند، رژیم را زمین بزند. هم رژیم صهیونیستی و هم اوکراین، در کنار ضرباتی که در میادین جنگ می‌خورند، از درون دچار شکاف‌های گشوده‌اند؛ شکاف‌هایی که به اعتقاد بسیاری، بعضاً حتی می‌تواند گشوده‌تر از ضرباتی باشد که از حریف در میادین جنگ می‌خورند. اختلافات زلنسکی با فرمانده کل نیروهای مسلح اوکراین و تصمیم او برای برکناری این ژنرال برجسته را بگذارید کنار اختلافات نتانیاہو با یوآو گالانت وزیر جنگ رژیم صهیونیستی و تلاش‌هایی که برای برکناری او از قدرت شد. اختلافات نتانیاہو با اعضای کابینه فعلی و مقامات سابق این رژیم را هم بگذارید کنار اختلافات زلنسکی با اعضای کابینه و رهبران سیاسی سابق این کشور. زلنسکی گفته است، فقط به دنبال برکناری «والری زالوژنی» نیست بلکه به دنبال تغییرات گسترده در وزارت دفاع و کل کابینه‌اش است. «بنی گانتز» (عضو شورای جنگی رژیم صهیونیستی) هم گفته به دنبال سرنوشتی نتانیاہو و کل کابینه اوست. مهاجرت معکوسی که در حال تغییر بافت جمعیتی «کشور مصنوعی اسرائیل» است را هم بگذارید کنار گزارش وزارت دفاع اوکراین که می‌گوید، دیگر نظامی زیر ۴۰ سالی برایش باقی نمانده و با لشکر پیرمردا به جنگ ادامه می‌دهد! چون «جوانان یا مهاجرت کرده و گریخته‌اند» یا «در جنگ کشته شده‌اند». اندیشکده «اوکراین برای آینده» چندی پیش اعلام کرده بود، نتایج تحقیقاتش نشان می‌دهد، جمعیت اوکراین از زمان استقلال تاکنون، به نصف کاهش یافته و بخش قابل توجهی از این کاهش جمعیت، پس از جنگ با روسیه اتفاق افتاده است!

وضعیت اقتصادی این دو نیز، تعریفی ندارد. فساد ساختار سیاسی و اقتصادی اوکراین را پوسانده و یکی از دلایل اصلی قلع و قمع مقامات کیف به دست زلنسکی، با هدف مبارزه با همین فساد است که صورت می‌گیرد. این فساد در بخش دفاعی و نظامی اوکراین، گسترده‌تر عنوان شده است. دیروز فیلمی از یائیر لاپید، نخست‌وزیر سابق رژیم صهیونیستی منتشر شد که او هم از اوضاع اقتصادی رژیم صهیونیستی پس از شروع جنگ غزه گله می‌کرد آنجا که گفت: «حکومت اسرائیل در این مدت به بی‌ارزش‌ترین حکومت تاریخش تبدیل شده است... ادامه این وضع قابل قبول نیست... قیمت صدها کالا به شدت افزایش یافته و اقتصادمان ویران شده است.»

گاهی فرجام‌های مشابه، نتیجه اتخاذ سیاست‌های مشابه است و اتخاذ سیاست‌های مشابه نیز نتیجه شخصیت‌های مشابه است. نتانیا‌هو و زلنسکی اگر مثل هم نبودند به نتایج مشترکی نمی‌رسیدند. مواضع این دو درباره فلسطین، ایران و آمریکا را مرور کنید. مو نمی‌زند!